

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زن و برابری
۱۴ فبروری ۲۰۲۲



ارتجاع اسلامی داعشی گل دیگری را از گلزار عاشقان آزادی و برابری چید!



قربانی کودک همسری؛ همسرش سر بریده او را در شهر چرخاند، خبر کوتاه اما تکاندهنده بود!

روز شنبه ۱۶ بهمن ماه [دلو]، مونا حیدری دختر نوجوان ۱۷ ساله در اهواز، پس از فرار به ترکیه توسط همسرش به ایران بازگردانده شده و با انگیزه ناموسی توسط همسر و برادر همسرش به قتل رسید. در این رابطه ویدئویی در شبکه های اجتماعی منتشر شده که در آن متهم سر بریده همسرش را در مقابل چشمان مردم در شهر می چرخاند، این امر واکنش بسیاری از کاربران در شبکه های اجتماعی را به دنبال داشته است. در "قوانین جمهوری اسلامی" مواردی در نظر گرفته شده تا افرادی را که مرتکب "قتل های ناموسی" ، از مجازات های سنگین معاف کند.

هر سال تعداد بیشماری از زنان و دختران جوان و حتی دختران در سنین کودکی جان خود را تحت عنوان قتل "ناموسی" از دست می دهند و قربانی قوانین قرون وسطائی و ارتجاعی حاکم بر جامعه و خانواده خود می شوند. در طی سال گذشته در ایران مونا حیدری، فائزه ملکی، رومینا اشرفی، ریحانه عامری، فاطمه فرحی، شکبیا بختیار، مبینا سوری و.... قربانی توحش و بربریتی شده اند که قتل های ناموسی نامیده می شود.

بر اساس یکی از گزارشات ملل متحد (UNFPA)، آمار رسمی تعداد کشته شدگان زن به دست نزدیکان مرد خود چون شوهر، پدر، برادر و برادر شوهر ... سالیانه رقمی بیش از ۵۰۰۰ نفر است. این در حالی است که بر اساس گزارشات AMNESTY، آمار غیر رسمی و اعلام نشده بسیار بالاتر از ارقامی چون ۵۰۰۰ نفر در سال است. قوانین زن ستیز علیه زنان، پایه‌ئی ترین حقوق اولیه یعنی آزادیهای فردی و حقوقی زنان را به شدت مورد تهاجم قرار داده و هر روز به عناوین مختلف آنها را مورد اذیت و آزار جسمی و روحی قرار داده و یا به مسلخ مرگ می فرستد. قتل های "ناموسی"، شنیع ترین شکل خشونت است که ریشه در قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه دارد. در جامعه ای که حکومت فاشیستی و مرتجع آن زن را شهروند درجه دوم قلمداد نموده، در جامعه ای که زن کالا محسوب می شود و مرد صاحب این کالا است، نگهبانانی که همچون شوهر، پدر، برادر و یا مردی از خانواده را برای حفظ "ناموس و دفاع از شرفشان" بر سر آنها می گمارند، سبب این فجایع ضد انسانی اند. تعبیر معمول از قتل "ناموسی"، کشتن زن به دست مردی از خانواده است که به دلیل "اتهام" به رابطه جنسی قبل از ازدواج رسمی و یا خارج از ازدواج رسمی صورت می گیرد. در این جوامع برقراری روابط آزادانه جنسی زن با مرد دلخواه خود به شرطی که بدون اجازه خانواده صورت گرفته باشد، جرم محسوب شده و قوانین کپک زده اسلامی این اجازه را به مردان خانواده می دهد که هر زمان اراده کنند به فجیع ترین شکل زن را به قتل برسانند و "ناموس و شرف" خانواده را پاسداری نمایند.

در این جوامع زن به دلیل این که زیر بار ازدواج ناخواسته نمی رود، زن از مردی جدا شده که شکنجه اش کرده و مورد تجاوزش قرار داده است به قتل می رسد. زن خیلی راحت به قتل می رسد چون سر به زیر نیست و به مثابه یک انسان آزاده فکر می کند و به تبع آن عمل می کند. خشونت خانوادگی که قتل‌های ناموسی یکی از کریه ترین نوع آن است، انعکاسی از خشونت جامعه طبقاتی است و نشان دهنده موقعیت زنان و جایگاه اجتماعی شان در آن جامعه است. جایگاه مرد در ساختار اقتصادی خانواده و انعکاس آن در فرهنگ و سنت های ناشی از آن که به مرد لقب رئیس خانواده داده شده است، برتری مرد از زن قلمداد می شود و در چنین موقعیتی وجود خشونت در واکنش دشواری ها و ناهنجاری هائی که در جامعه و خانواده وجود دارد یک امر طبیعی محسوب می شود. عده کثیری از مدافعان حقوق زن وقوع قتل‌های ناموسی و خشونت نهادینه شده در جامعه و خانواده را در عواملی همچون پدرسالاری، مذهب، مهاجرت، محدودیت، رسانه، تعصبات شدید، پائین بودن سطح آگاهی، زندگی عشیره ئی و کاملاً بسته در برخی مناطق، ازدواج های اجباری و قوانین حکومتی ضد زن جست و جو می کنند. هر کدام از اینها تأثیر بسزایی در وقوع این جنایات ناموسی و خشونت خانگی می توانند داشته باشند، اما عامل بنیادی و پایه ئی این فجایع نیستند.

هر سال هزاران زن فقط به دلیل جنسیت زن بودنشان و به این اتهام که "شرافت خانواده را لکه دار نموده اند" قربانی قتل‌های ناموسی می‌شوند. این ننگ که پاک شدنش با به قتل رساندن زن ختم می شود، نه تنها به طور جدی ممانعتی از آن به عمل نمی آید بلکه از نظر قوانین ارتجاعی مذهبی و مالکیت خصوصی بورژوائی هر روز تولید و باز تولید می شود. برای قربانی شدن جنایت‌های ناموسی دلایل زیادی لازم نیست، فقط این که گمان برده شود زن آبروی خانواده را بر باد داده است کافی است، همانطور که اخیراً "مونا حیدری" قربانی این جنایت ضد انسانی شد. ریشه چنین جنایاتی را نمی توان فقط در مذاهب و افکار و آراء ارتجاعی دانست، بلکه ریشه این جنایات را در مناسبات اقتصادی که بر مالکیت خصوصی استوار است باید جست و جو نمود. بسیاری راه مبارزه با این جنایات را در فرهنگ و مذهب جامعه دانسته و آلت‌رناتیوی که برای آن ارائه می دهند تغییراتی در چهارچوب فرهنگ جامعه و به نقد کشیدن مذهب به ویژه

مذهب اسلام است، اما غافل از این که این مسائل ریشه در مناسبات نظام سرمایه داری دارد که مرد سالاری را تقویت می نماید و به این نوع خشونت‌ها مشروعیت می دهد نه مسائل فرهنگی.

امروزه سرمایه داری و دولت های حامی آن، بهره کشی و ستم غیر قابل تصویری را بر زنان، که تنها به آزار و اذیت جنسی و جسمی و روحی محدود نبوده، روا داشته اند؛ سیستم سرمایه داری همواره ستم بر زنان و مردسالاری را به عناوین مختلف در جامعه باز تولید و تشدید می کند، پس مبارزه علیه ستم بر زنان، نمی تواند جدا از مبارزه طبقاتی با سیستم سرمایه داری و بدون دست بردن به ریشه های تاریخی ستم کشی زن که با آغاز طبقات و روابط و مناسبات سرمایه داری شگل گرفته صورت گیرد.

برای خاتمه دادن به این جنایات و آدمکشی برای رفع اینمهمه تبعیض و ستم و نابرابری بر زنان باید متشکل شویم، باید هم صدا شویم. این فاجعه بشری را هر چه سریعتر به گوش سازمانها و نهادهائی که این جنایات را محکوم می کنند باید رساند. در پایان، این فاجعه دلخراش را به خانواده مونا حیدری، تمامی زنان ایران، نیروهای مترقی و مدافع حقوق زنان تسلیت می گوئیم.

۷ فیروزی ۲۰۲۲ - ۱۸ بهمن ماه [دلو] ۱۴۰۰

هماهنگی زن و برابری